**الباقي باسمه الأبهی**

اي جواد آيا سکون اختيار نموده و جمال مختار ما بين اشرار بکمال اضطرار مبتلا گشته آيا نَفَس راحت از قَفَس تن برآوردی و حال آنکه جمال احديّه را ذياب ارياب انفس مشرکه احاطه نموده و در کلّ حين آنجمال مبين بلحن حزين ندا ميفرمايد احبّای خدا را و بنصر امرالله دعوت ميفرمايد بی نصر نفس خود چه که لم يزل و لا يزال نفس خود را در سبيل ذو الجلال انفاق نموده چنانچه اين فقره بر هر منصف بصير معلوم بوده که در جميع ايّام خود را از اعداء حفظ نفرموده اند و در کلّ اوان چون شمس تابان و درخشان بوده اند و لا ينکر ذلک إلّا کلّ مُفَلّ محروم پس واضح بوده که مقصود از نصر، نصر امر الله بوده و خواهد بود تالله اگر نفسی نَفَسی در نصر اين امر بديع برآورد مقابل است باعمال مقبولهء اهل سموات و ارض لا يقابل لشیء ان انتم فی انفسکم تتفکرون و نصر هم بسيف بيان و لسان عندالله محبوب است نه بسيوف شاخذۀ حديده چه که بضرّ نفسی راضی نبوده و نيستند و در جميع ايّام مبالغه در اين امر ميفرمايند ای جواد سلطان ايجاد ميفرمايد که لسان را از غلاف بيان بقوّيهء رحمن برآور و بقسمی تبليغ اين امر نما که جميع آفرينش را مجال اعراض نماند چه که اين احباب را در حين تکلّم روح القدس تأييد ميفرمايد ای جواد صبح منير از نَفَس رحمانی نَفَس کشيده و الّصبح إذا تنفّس مرّة أُخری ظاهر گشته إنشآء الله جهد بليغ مبذول فرمائيد که مبادا ظلمت انفس ظلمانی و هياکل شيطانی بحجبات انفس مشرکه اين صبح نورانی را از أعين ناس مستور دارند ای جواد ذيابی چند در اثواب اغنام ظاهر شده اند بايد در کلّ وقت پناه بخدا بُرد که از خدع و مکر اين خادعين که برّب عالمين مکر نموده اند محفوظ مانيم ای جواد اليوم اگر کلّ من فی الّسموات دعوی ربوبيّت نمايند و بآيات اوّلين و آخرين تغنّی نمايند من دون ذکر اسم ربّک الأعلی فی هيکل الأُخری علی اسمه الأبهی مردود بوده و خواهند بود چه خلق کلمات بمثل خلق أنفس شده و خواهد شد و هم چنانکه از خلق أنفس مقصود عرفان نفس الله بوده از خلق کلمات هم از هر لسان که جاری شود مقصود ذکر حق خواهد بود اگر اين رتبه از کلمات مفقود شود مثل اهل سوق خواهد بود بل عندالله ثانی ارجح و اگر چه آن نغمات باحسن الحان ظاهر شود نظر بمشکوة فرمائيد که اگر از زجاج لطيف و بلّور منيع مصنوع شود مقصود استوای سراج است بر او و اگر باينمقام فائز نشود آلتی خواهد بود معوّق و معطّل لا يسمن و لا يغنی پس مقصود از مشکاة کلمات اشتغال سراج ذکر جمال ذوالجلال بوده و من دون آن وساوس شيطانيست اگر چه دفتر آن کلمات بقطر ملکوت اسمآء و صفات مشاهده شود سلطان قدم ميفرمايد ای جواد مقصود از اشجار هياکل اثمار معرفتم بوده و اگر شجری باين فضل مفتخر نشود حکم حکم شجره يابسه بستانيّه دارد که لايق قطع و احتراق بوده و خواهد بود ولي کاش که برای ترتيب خان محبوب مشتعل ميشد و شايد که به محّل طبخ مشرکين بُرده شود بما اکتسبت ايداه من قبل فنعوذ بالله من ذلک ای جواد محبوب ميفرمايد که ظهورم بين احبّا و قيامم ما بين أعداء در ايّاميکه کلّ ارجل متزلزل بوده و جميع أيادی از سطوت أيّام مرتعش حجّتی بوده واضح و اعظم از حجج أوّلين و آخرين لو يکونن النّاس لمن المنصفين دليلی بر نفسم جز ذاتم نبوده و نخواهد بود و مقصود از آيات إثبات أمر ما بين ناس که محتجب بوده اند و إلّا شاربين خمر اصفا من کأس أبهی حقّ را بحقّ شناسند و بدون آن ناظر نه ای جواد تالله ظهوری بين هؤلاء أعظم عن خلق السّموات و الأرض و عن کلّ ما کان و ما يکون و لکن العباد فی سُکر أنفسهم ميّتون در اين أيّام أطفال حرم بآياتی تکلّم مينمايند که أفئدة مقرّبين مجذوب و متحيّر مانده اند و ليس ذلک علی العّزيز چون وقت بسيار تنگ بود لوحی مختصر نازل شد ارسال گشت و ديگر چندی قبل سوره أصحاب از سمآء قدم و يمين عرش أعظم نازل شده و باسم الله أعظم حضرت منيب ارسال شده و ذکر آنجناب در آن لوح بديع بوده از ايشان مطالبه فرمائيد لوح ملّاح قدس که در سنه قبل وعده آنرا بآن حبيب داده نزد اسم الله المنيب ارسال شد و بعد از اخذ سواد اصل را بآنجناب برسانيد و فارسی آن هم که در پوسته قبل ارسال نشده در اين پوسته ارسال گشت اصل را خود برداريد و سواد را نزد اسم الله الأعظم ابلاغ داريد و ديگر در اعتکاف مقامات ذکر فرموده بوديد هر محلّی که بجهة نصرت أمر الله و امر خود ارجح شمرند معمول دارند و ساکن شوند که عند الله محبوب بوده و بعد از نزول إذن از سمآء قضا بهر ديار وطن نمايند إذن الله و تقدير الله همان بوده و خواهد بود و ديگر الاقه مرقوم داشته بوديد فرمودند لا يضّر مع شيء لو تکن من الثّابتين و فقرۀ اشيآء مذکور خبر آن رسيده که بعد ميفرستند سواد اين نامه را هم نزد اسم الله المنيب مرسول داريد جناب حرف حی را عليه بهآء الله العزيز المحبوب تکبير اعلی ابلاغ داريد و دو توقيع منيع از ساحت عرش بايشان فرستاده شد إنشآء الله تا بحال رسيده ارياح منيعه از کلمات بديعه آن استنشاق آمد پنج شنبه ١٢ ذيقعده چون نفحه روح القدس اعظم بر عظام رميم وزيدن گرفت و جان تازه مبذول فرمود طوبی للشّاربين من هذا الکأس الدّرّیّ المبين